

انگیزه‌های اولیه جنگجویان گروه طالبان و سیاست مصالحه حکومت

سرمقاله

دولت در مقابل داعش

محمد رضا هویدا

رد پای داعش، در موارد متعددی از جنایات و فجاج ماه های اخیر دیده می شود. داعش در افغانستان همانند، کشورهای سوریه و عراق، برای اثبات حضور خود دست به جنایت های وحشتناک می زند. هدف داعش از یک سو ایجاد رعب و وحشت میان مردم افغانستان و مهیا ساختن فضایی برای ترس مردم از این گروه است و از سوی دیگر فراهم ساختن زمینه اختلافات شدید و تقسیم کردن مردم افغانستان به فرقه های مذهبی، قومی و زبانی به منظور فعال ساختن شکاف های اجتماعی است. به نظر می رسد: کار داعش در افغانستان از مرز هشدار گذشته است. داعش علاوه بر ولایاتی حضور خود را تثبیت کرده و در جنایت های مختلفی نیز مستقیماً دخالت داشته است. اطلاعات و اظهارات منابع مختلف داخلی و بین المللی نیز تأکید می کند که داعش در افغانستان حضور دارد و در حال ایجاد و ساختن پایگاه هایی در ولایات مختلف کشور است.

زمستان افغانستان به طور معمول، برای گروه های تروریستی که اغلباً از شیوه جنگ های چریکی استفاده می کنند، فصل تجدید قوا و آماده شدن برای آغاز یک بهار خونین است. گروه های تروریستی در زمستان به اعمال خود می پردازند و برای بهار آماده می شوند. اما با تغییر شیوه های جنگی گروه های تروریستی به حملات انتحاری، مابین گذاری و ترور افراد و شخصیت های سیاسی، مذهبی و اجتماعی، عملاً محدودیت زمستان نیز از میان برداشته شده است. بدین جهت گروه های تروریستی مانند داعش به شدت در حال گسترش به ولایات و مناطق کشور است.

اظهارات مقامات نظامی کشورها و سازمان های نظامی بزرگ دنیا نیز نشان می دهد که جهان برای حضور داعش در افغانستان آماده می گیرد. بدون شک حضور داعش در افغانستان در اولین قدم، حضور بیشتر، جدی تر و پرتنش قدرت های بزرگ جهان را در پی خواهد داشت. حضور داعش در افغانستان به معنای تغییر میدان جنگ از کشورهای عراق و سوریه به افغانستان خواهد بود که مطمئناً حضور عراق و جهانی و منطقه ای را نیز در پی خواهد داشت. جالب این جاست که کشورهایی مثل امریکا، روسیه، ترکیه، ایران، عربستان، فرانسه، جرمنی، انگلستان، ایران...

و... که با حضور داعش در سوریه و عراق به نحوی در جنگ قرار دارند و به حمایت از نیروهای مورد حمایت خود و نابودی نیروهای مخالف شان می پردازند، در افغانستان حضوری مشابه دارند. همکاری میان قوای سه گانه در افغانستان ضعیف به نظر می رسد و این قوا در مواردی با یکدیگر درگیر هستند. ادعاهای متفاوتی از سهل انگاری و حتا همکاری و دخالت در ایجاد ناامنی ها از سوی هر یک از قوا به دیگری نسبت داده می شود که مطمئناً ضعف آنها را در پی خواهد داشت.

تیم های برنده انتخاباتی وجود داشته و دارد و همین اختلافات سبب شده بود تا حدود یک سال بعضی از ادارات امنیتی کشور با سرپرست اداره شود، اختلافاتی میان قوای سه گانه دولت نیز به چشم می خورد. و همان طوری که عزل و نصب های حکومت راه به جایی نمی برد و در تأمین امنیت هیچ کمکی نتوانسته، استیضاح و استجواب های پارلمان نیز در تأمین امنیت و تحکیم ثبات کاری از بیش برده نتوانسته است.

شواهد و قراین نشان می دهند که دولت افغانستان فرصتی کافی برای درگیری ها و اختلافات میان نهادها، گروه ها و قوای سه گانه ندارد. به همین جهت، بهتر است به جای پرداختن به مسایل حاشیه ای و یا حاشیه دار ساختن مسایل و مشکلات امنیتی به فکر تشریک مساعی و یکی ساختن نیروها در جنگ همه جانبه علیه گروه های تروریستی به خصوص داعش باشیم. جنگ با داعش، استراتژی و منطق خاص خود را می خواهد که در راس آن حفظ اتحاد در همه جوانب است. این جنگ جنگ سخت، برهنه و طافلت فرسای خواهد بود.

جنگ و صلح با گروه طالبان یکی از جنجال برانگیزترین مسئله در چند سال اخیر بوده است. رویکردهای مختلف در ارتباط با این مسئله شکل گرفته است. به صورت کلان می توان رویکردها را به سه دسته مخالف، موافق و بی طرف تقسیم بندی نمود. عده ای در درون و بیرون از حکومت مرکزی موافق گفتگوی صلح است و عده ای دیگر مخالف. با این حال، رویکر غالب و حاکم رویکرد موافقان صلح است. در میان گروه طالبان نیز، دو دستگی شکل گرفته است. عده ای از سمران و رهبران گروه طالبان به دنبال مصالحه و گفتگو با حکومت افغانستان و ایالات متحده آمریکا است و عده ای دیگر اما، علم مخالفت و جنگ با حکومت و نیروهای بین المللی را بلند نموده است. در میان طالبان اما، رویکرد غالب و حاکم مخالفان گفتگوی صلح است. دلایل زیادی برای مخالفت سمران گروه طالبان با گفتگوی صلح با حکومت افغانستان وجود دارد. در این نوشتار سعی می کنم سه دسته جنگجویان گروه طالبان را هم تفکیک نمایم و براساس آن سیاست و پروسه صلح حکومت را به بررسی بگیرم. براساس تحقیقات و مطالعات که صورت گرفته است، جنگجویان گروه طالبان را می توان به دو دسته متمایز از هم تفکیک نمود. گروه اول جنگجویان با انگیزه دینی می جنگد. براساس باورهای این گروه حکومت مرکزی افغانستان اسلامی نیست و شریعت جایگاهی در آن ندارد. بر همین مبنی آن ها در صدد آن است تا حکومت را ساقط نموده و یک حکومت اسلامی بر مبنای شریعت جایگزین نماید. این گروه از بنیاد با قانون اساسی، دموکراسی و حقوق بشر مشکل دارد. نظام کنونی را ساخته و پرداخته غربی ها می داند و بر این باور است که غربی ها در صدد غربی سازی حکومت و جامعه افغانستان است.

گروه دوم به خاطر گرفتن انتقام می جنگند. این گروه از نیروهای بین المللی و حکومت مرکزی افغانستان است. ممکن است اعضای خانواده خود را در بمباردها و جنگ های که میان نیروهای بین المللی و امنیتی افغانستان با گروه های بنیادگرا صورت گرفته است، از دست داده باشد. ممکن است از دستگاه قضایی ناراضی باشد. بنابراین، آزار و اذیت شدن، ترس و ارباب، بی عدالتی در دستگاه های قضایی انگیزه جنگ این گروه در برابر نیروهای بین المللی و نیروهای امنیتی افغانستان است. این گروه مشکل بنیادی با نظام سیاسی، دموکراسی، حقوق بشر و دیگر ارزش ها ندارد، بلکه انگیزه اولیه و بنیادی آن ها گرفتن انتقام از حکومت مرکزی است. ملا عبدالغنی برادر، رئیس نظامی گروه طالبان را می توان در این دسته قرار داد. بشر مشکل دارد. نظام کنونی را ساخته و پرداخته غربی ها می داند و بر این باور است که غربی ها در صدد غربی سازی حکومت و جامعه افغانستان است.

گروه دوم به خاطر گرفتن انتقام می جنگند. این گروه از نیروهای بین المللی و حکومت مرکزی افغانستان است. ممکن است اعضای خانواده خود را در بمباردها و جنگ های که میان نیروهای بین المللی و امنیتی افغانستان با گروه های بنیادگرا صورت گرفته است، از دست داده باشد. ممکن است از دستگاه قضایی ناراضی باشد. بنابراین، آزار و اذیت شدن، ترس و ارباب، بی عدالتی در دستگاه های قضایی انگیزه جنگ این گروه در برابر نیروهای بین المللی و نیروهای امنیتی افغانستان است. این گروه مشکل بنیادی با نظام سیاسی، دموکراسی، حقوق بشر و دیگر ارزش ها ندارد، بلکه انگیزه اولیه و بنیادی آن ها گرفتن انتقام از حکومت مرکزی است. ملا عبدالغنی برادر، رئیس نظامی گروه طالبان را می توان در این دسته قرار داد. بشر مشکل دارد. نظام کنونی را ساخته و پرداخته غربی ها می داند و بر این باور است که غربی ها در صدد غربی سازی حکومت و جامعه افغانستان است.



رحیم حمیدی

خانه پدر او و یکی از اقارب او بود. گروه از جنگجویان طالبان را کسانی تشکیل می دهد که در دوره امارت اسلامی صاحب مقام و منصب بوده اند. از بدو شکل گیری گروه طالبان تا فروپاشی امارت اسلامی همراه و همگام با این گروه بوده است. این ها در واقع کسانی بوده اند که به صورت مستقیم با مسائل در درون گروه طالبان در ارتباط بوده است و از آن ها سود می جسته است. می توان گفت که شعورش و مخالفت با حکومت مرکزی شغل شان است. این گروه در ارتباط با نظام سیاسی و دموکراسی و حقوق بشر به دو دسته تقسیم می شود. تعدادی شان دموکراسی و حقوق بشر را با ارزش ها و باورهای خود می ستجد و در صورت که همکاری نیافت با آن مخالفت می کند. برخی دیگر شان مخالف جدی دموکراسی و حقوق بشر نیست. بلکه در برابر نیروهای امنیتی و نیروهای بین المللی می جنگد زیرا، از امارت اسلامی به صورت مستقیم سود می برد.

شورای عالی صلح و حکومت افغانستان برای موفقیت سیاست صلح و مصالحه با گروه طالبان ضرورت به تحقیق و دسته بندی جنگجویان گروه طالبان دارد. سیاست های شورای عالی صلح باید براساس انگیزه های جنگجویان تدوین و اجرا شود. هر سه دسته مذکور را نمی توان با یک سیاست وارد میز مذاکره و گفتگو نمود. آن ها که با انگیزه دینی با نیروهای امنیتی کشور می جنگد با آن ها که از همان اول طرفدار و حامی گروه طالبان بوده است را نمی توان با یک سیاست وارد پروسه گفتگو و مصالحه نمود. شورای عالی صلح اما، به جای تدوین سیاست و برنامه های عینی در ارتباط با پروسه صلح، شورای عالی صلح را سیاسی ساخته و بیشتر اعضای بلند پایه آن سیاسی عمل می نماید. عملکرد این چنینی منجر به صلح نمی شود بلکه منجر به هدر رفتن فرصت ها و امکانات و بوجه هنگفت می گردد. این مهم در نهایت، شورای عالی صلح را تبدیل به یک نهاد سمبلیک می کند که مسئولیت اجرایی ندارد. آخرین خبری که در مورد گفتگوی صلح با دفتر قطر منتشر شد نشان می دهد که این شورا تا حدودی صلح از گفتگو با دفتر قطر اظهار بی اطلاعی نمود. بخش از مسئله مربوط به کارگزاران این شورا می شود که توانایی مدیریتی ندارد و بخش دیگر شان به شخص رئیس جمهور می شود که از عملکرد و بیشرقت این نهاد نظارت نمی کند و کمتر خواهان پاسخگویی می شود.

چطور نخبگان جهان را نابود می کنند

نویسنده: لورا انگراهام/ ترجمه: جانعلی شکرعلیزاده



فرصت بیشتری در اختیار دشمنان ما قرار داد. حال نظم جهانی و اقتصاد جهانی برای مردم امریکا به یک کابوسی تبدیل شده که از آن فرار نمی کنند. اما به دام آن می افتد مانند جنرالان ما در جنگ جهانی اول که مردان را به میدان جنگی می فرستادند که نتیجه اش کنستار بیشتر بود. آنها می دانستند بازنده ایم اما بازم به این کشتار ادامه می دادند. آنها بسا توافق نامه های تجارتي راضی نشدند در عوض با شرکای بی هدف و نامعلوم داد و ستد می کنند. آنها با پالیسی مهاجرت امریکا و اروپا که طی دو دهه اجرا می گردید راضی نشدند. حالا مهاجرین غیر قانونی را می آوردند. آنها به صدمه ای که از خاورمیانه با حضورمان خودریدیم راضی نشدند حالا خواب ارسال سرباز بیشتر برای کشته شدن دارند تعجب آور نخواهد بود که آنها از هیلاری کلینتون حمایت کنند که سال ها این سیاست وحشتناک را دنبال کردند.

کشورهای مانند ژاپن را تشویق به ترک سیاست های موازنه اقتصادی می کند اما آنها اشتباه می کردند. در عوض امریکا به مرکز اصلی حل منازعات سازمان تجارت جهانی تبدیل شد و به عنوان شرکای تجاری از ما کیسه بوسی ساختند و در منازعات پیروز می شدند و ما را مجبور می کردند قوانین مسان را مطابق برنامه آنها تغییر دهیم. آنها باور داشتند که کمک به رشد چین با دسترسی نامحدود به تکنولوژی و بازاربزرگ منجر به جهان آزادتر و امن تر خواهد شد اما آنها اشتباه می کردند. چین با تروتی که از این وضعیت بدست آورده قدرتش را هم در داخل هم در جهان محکمتر نموده است. اگر همین وضعیت موجود ادامه یابد، بزودی جای امریکا را به عنوان بزرگترین اقتصاد دنیا خواهد گرفت. آنها باور داشتند که روسیه با اقتصاد ضعیف اش چالشش را برابر اروپا نخواهد بود؛ اما آنها اشتباه می کردند. دولت ولادیمیر پوتین علی رغم کوچک تر بودن اقتصادش از کانادا دست سیاست گذاران غربی را بسته، کاری کرده که آنها ضعیف و سست به نظر بیایند و ناتو را نگران کرده است. آنها باور داشتند که گسترش دموکراسی در خاور میانه باعث سرکار آمدن حکومت های صلح جو خواهد شد؛ اما اشتباه می کردند. جنگ های وحشتناک و اشتباهات دردناکی حداقل در همین ۱۵ سال اخیر در این منطقه رخ داده که این سطح از خشونت تا بحال دیده نشده بود. هجوم موجی عظیم از مهاجرین خاورمیانه مشکلات سیاسی بزرگی را برای امریکا و اروپای غربی بوجود آورده است. آنها باور داشتند قرار دادن کشورهای اروپایی در یک نظام واحد به نام اتحادیه اروپا با پول مشترک موجب شکوفایی

جنگ جهانی دوم تا کنون روابط کشورها بر اساس آن استوار بوده است. اما حقیقت این است که نظم جهانی در ذهن کسانی است که چشم خود را بر روی واقعیت های حاضر بسته است. مفهوم نظم جهانی بر می گردد به سال های ۱۹۴۵ که امریکا در شوک از دست دادن فرزندان شان در جنگ های کوریا و ویتنام و جاهای بی شماری در این دوره بود. در بین سالهای ۱۹۴۵ تا ۱۹۹۰ امریکا با چالش های سختی روبرو بود تعدادی از رئیس جمهورها مثل ریگان و آیزنهاور موفقانه نتوانست بر چالش ها غلبه کند و دوره کوتاهی از آرامش و رونق به ارمغان آورد. سایرین مانند جانسون و جیمی کارتر نتوانستند سیاست خارجی موفقی داشته باشند و جهان را با خطرات بیشتری به جانشینان شان تسلیم کردند. پالیسی سازمان امریکا نتوانستند از پس وضعیت بوجود آمده برآیند. پس از پیروزی امریکا در جنگ سرد و سقوط بلوک شوروی، غرب و امریکایی ها به جای درس گرفتن از گذشته سقوط بلوک شوروی را به هم تبریک می گفتند و لیبرالیسم را عالی ترین شیوه نظام کشورها می دانستند. اجازه دهید به چند شکست در سیاست خارجی اشاره ای داشته باشیم. آنها بر این باور بودند که پیمان نفتا در بهبود روابط بین کشورهای امریکای شمالی کمک می کند و اما آنها اشتباه می کردند. در عوض روابط کشورهای پیمان نفتا بدتر شد، باراک اوباما و کلینتون در سال ۲۰۰۸ خواستار مذاکرات مجدد کشورهای عضو نفتا شد و حمایت خویش را اعلام کرد، اما فقط در حد حرف باقی ماند. آن ها باور داشتند که سازمان تجارت جهانی مانند سنگری باعث تقویت و حمایت بازارهای اقتصادی می شود و

بگذار واضح تر بگویم اگر کلینتون برنده این انتخابات شود، همه مشکلاتی که حالا بود جهان می بنییم سریعتر ادامه خواهد یافت. چرا که او همین سیاست ها را پیاده می کند که از چهار سال پیش داشت. اگر او پیروز شود امریکا ضعیفتر، چین قویتر میشود، روسیه طراکات تر و توریست ها جسورتر میشوند، خاورمیانه بی ثبات تر و وضعیت اروپا خرابتر از حالا خواهد شد. ما همه میدانیم که سیاست هایی که تاکنون اتخاذ شده نتیجه اش همین وضعیت کنونی است چرا اجازه دهیم چهار سال دیگر هم وضعیت بدتر گردد. وقتی آن رسیده که صدایمان را بلند کنیم وقتی به گذشته نگاه می کنیم نخبگان ما در باره خلسق و خوی ترامپ چرندیات می گویند یک موضوع خیلی واضح است و آن سیاست خارجی امریکا است که در این مورد حق با ترامپ هست و نخبگان در اشتباه هست. این دیوانگی است شرایطی ایجاد کنیم که شرکت های چینی از شرکت های امریکایی بهتر بشود. این دیوانگی است که موفق نمی شویم. این دیوانگی است که جنگی ادامه بدهیم که دیگر تاونش را نداریم. این دیوانگی است مرزهایمان را باز نگاه داریم و در بین مهاجرین حل شویم. مهمتر از همه این دیوانگی است کسی را به ریاست جمهوری برسانیم که در طول بیست سال سیاست های غلطی را دنبال کرده است و جهان را در این شرایط قرار داده است.

ممكن است كلينتون اين انتخابات را ببرد اما ترامپ و هوادارانش هميشه برنده خواهد بود که پالیسی درستی را ارائه کرده، سیاست های او چانس این را دارد که جهان را بهتر بسازد اما هیلاری هرگز



روزنامه افغانستان ما از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله یانگ دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

بنیان گذار: دکتر حسین یاسا
مدیر مسول: محمد رضا هویدا
سردبیر: حفیظ الله زکی
کاریکاتوربست: خالق علی زاده

دربارین: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷-۱۳۷

www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

The Daily Afghanistan Ma
Daily Outlook
AFGHANISTAN
The Leading Independent Magazine